

زبان انگلیسی سال سوم دبیرستان

درس 1			درس 2		
1	allow	اجازه دادن به	1	possible	ممکن
2	observation	مشاهده	2	lie	دروغ گفتن
3	how often	چند وقت به چند وقت	3	goal	هدف
4	struggle	نزاع، جنگ، مبارزه	4	role	نقش
5	case	مورد	5	blind	کور، نابینا
6	behave	رفتار کردن	6	examine	بررسی کردن، معاینه کردن
7	choice	انتخاب	7	stupid	احمق، احمقانه
8	harmful	مضر، زیان آور	8	however	با این حال
9	future	آینده	9	nation	ملت
10	pressure	فشار	10	rubbish	زباله، آشغال
11	recently	اخیراً	11	passenger	مسافر
12	theater	تئاتر، نمایش	12	honest	راستگو، صادق
13	average	معدل، میانگین	13	flight	پرواز
14	period riod	دوره، مدت	14	educate	پرورش دادن، آموزش دادن
15	holiday	تعطیلی، روز تعطیل	15	dislike	دوست نداشتن
16	sport	ورزش	16	useful	مفید
17	music	موسیقی	17	modern	جدید، مدرن
18	experiment	آزمایش	18	rapidly	به سرعت
19	single	تک، منفرد	19	final	نهایی، آخر
20	continue	ادامه دادن	20	finally	بالاخره
21	weak	ضعیف	21	in other words	به عبارت دیگر
22	end	پایان، پایان دادن، پایان یافتن	22	service	خدمت، خدمات
23	research	تحقیق	23	take away	دور کردن، بیرون بردن

24	certain	مطمئن، معین	24	clerk	کارمند، فروشنده
25	type	نوع، تایپ کردن	25	free	رایگان، آزاد
26	researcher	محقق	26	degree	مدرک، درجه
27	channel	(تلویزیون) کانال	27	show	نمایش، نمایشگاه
28	powerful	قوی، قدرتمند	28	ashamed	شرمنده
29	successfully	با موفقیت	29	insist	اصرار کردن
30	housewife	خانه دار	30	fashionable	رایج، مد
31	viewer	بیننده	31	perfect	بی نقص
32	choose	انتخاب کردن	32	silly	احمق، احمقانه
33	television set	دستگاه تلویزیون	33	means	وسیله
34	movie	فیلم	34	government	دولت، حکومت
35	eyesight	بینایی	35	refuse	خودداری کردن، رد کردن
36	practice	تمرین	36	fact	واقعیت، حقیقت
37	probably	احتمالاً	37	produce	تولید کردن
38	colorful	رنگین، رنگارنگ	38	value	ارزش
39	improve	بهبتر کردن، بهبود بخشیدن	39	society	جامعه، اجتماع
40	relax	آسودن، آرام کردن	40	prepare	آماده کردن
41	relaxed	راحت، آسوده، آرام	41	realize	فهمیدن، پی بردن
42	except	به جز	42	forbid	ممنوع کردن
43	get away	خلاص شدن، فرار کردن، دور کردن	43	forbidden	ممنوع
44	influence	اثر گذاشتن بر، تأثیر	44	in fact	درواقع
45	stay	ماندن	45	end	هدف، پایان
46	unusual	غیر عادی، عجیب	46	fit	آماده کردن، مناسب بودن
47	daily	روزانه	47	as soon as	به محض اینکه

48	recent	اخیر	48	discussion	بحث، گفتگو
49	twice	دو بار، دو برابر	49	fill	پر کردن
50	once	یک بار	50	dangerous	خطرناک
51	skill	مهارت	51	whether	آیا
52	wonderful	فوق العاده، شگفت آور	52	driving test	آزمون رانندگی
53	effect	تأثیر، اثر	53	on time	به موقع
54	set	دستگاه	54	rapid	سریع
55	worried	نگران	55	infinitive	مصدر
56	noun	اسم	56	honestly	صادقانه
57	physical education	تربیت بدنی	57	preposition	حرف اضافه
58	member	عضو	58	go on	ادامه دادن
59	interesting	جالب	59	avoid	اجتناب کردن
60	plenty	زیاد	60	cure	درمان کردن
61	kind	نوع	61	action	عمل، اقدام
62	algebra	جبر	62	university	دانشگاه
63	adjective	صفت	63	solve	حل کردن
64	biology	زیست شناسی	64	farmer	کشاورز
65	high school	دبیرستان	65	healthy	سالم
66	usually	معمولاً	66	examination	امتحان
67	son	فرزند پسر	67	become	شدن
68	sure	مطمئن	68	drill	تمرین
69	tired	خسته	69	proper	مناسب، درست
70	therefore	بنابراین	70	below	زیر، پایین
71	difficult	سخت	71	report	گزارش، گزارش کردن
72	almost	تقریباً	72	adverb	قید

73	program	برنامه	73	carelessly	بابی دقتی
74	husband	شوهر	74	dirty	کثیف
75	ever	هیچ گاه	75	educated	تحصیل کرده
76	interested	علاقه مند	76	enjoy	لذت بردن
77	at all	اصلاً	77	syllable	بخش، هجا
78	according to	طبق	78	smoking	سیگار کشیدن
79	structure	ساختار	79	horse	اسب
80	substitution	جایگزینی	80	identify	شناسایی کردن
81	seaside	کنار دریا	81	loudness	بلندی صدا
			82	possible	ممکن
			83	generally	عموماً
			84	ready	آماده
درس 3					
1	jet	هوایمای جت			
2	over and over	بارها و بارها، به کرات			
3	forest	جنگل	درس 4		
4	physical	جسمانی، بدنی	1	and so on	و غیره
5	basis	اساس، بنیاد	2	athlete	ورزشکار
6	base	پایه، مبنا	3	attract	جذب کردن
7	chemical	شیمیایی	4	award	اعطا کردن، دادن
8	recall	به یاد آوردن	5	basically	اساساً
9	poem	شعر	6	bathroom	حمام
10	feeling	احساس	7	beginning	ابتدا، شروع
11	slow down	سرعت خود را کم کردن	8	bottom	ته، پایین
12	hobby	سرگرمی	9	boxing	بوکس

13	painful	دردناک	10	bring	آوردن
14	memory	حافظه	11	bronze	برنز
15	look after	مراقبت کردن از	12	celebration	جشن
16	detail	جزء، جزئیات	13	clearly	به وضوح
17	scene	صحنه	14	committee	کمیته
18	pace	سرعت	15	competition	رقابت، مسابقه
19	thus	بنابراین	16	consist	شامل بودن
20	briefly	به طور مختصر	17	control	کنترل کردن
21	overlearning	یادگیری با تکرار زیاد	18	cover	پوشاندن
22	loss	از دست دادن، گم شدن، صدمه	19	cycle	دوچرخه سواری کردن
23	mental	ذهنی، روانی	20	deep	عمیق
24	object	شیء	21	Denmark	دانمارک
25	responsible	مسئول	22	depth	عمق
26	exist	وجود داشتن	23	encourage	تشویق کردن
27	psychologist	روانشناس	24	envelope	پاکت نامه
28	interest	علاقه	25	exactly	دقیقاً
29	foreigner	فرد خارجی	26	floor	، طبقه (اتاق) کف
30	occur	اتفاق افتادن	27	force	مجبور کردن
31	area	ناحیه، منطقه	28	fortune	شانس
32	event	اتفاق، حادثه	29	friendship	دوستی
33	record	رکورد، ثبت، سابقه، ثبت کردن، ضبط کردن	30	greece	یونان
34	ability	توانایی، مهارت	31	gymnastics	ژیمناستیک
35	brain	مغز	32	heat	گرما
36	emotional	عاطفی، احساساتی	33	height	ارتفاع

37	shopkeeper	مغازه دار	34	hold	برگزار کردن، در دست گرفتن
38	weekend	تعطیلات آخر هفته	35	ice - hockey	هاکی روی یخ
39	question	پرسیدن، زیر سؤال بردن	36	immediately	فوراً
40	enter	وارد شدن	37	imperative	وجه امری
41	even	حتی	38	include	شامل شدن
42	stick in one's mind	در ذهن شخص ماندن	39	indirect	غیر مستقیم
43	amount	مقدار، میزان	40	individual	انفرادی، فرد
44	photographic	تصویری	41	instruction	دستورالعمل، آموزش
45	mistake	اشتباه	42	international	بین المللی
46	afraid	ترسیده	43	lake	دریاچه
47	information	اطلاعات	44	later	بعداً
48	turn up	بلند کردن صدا، زیاد کردن (حرارت)	45	length	طول
49	call up	تلفن کردن	46	measure	اندازه
50	mind	ذهن	47	medal	مدال
51	conscious	هوشیار، آگاه	48	meeting	جلسه
52	dead	مرده	49	Olympia	المپیا
53	hear about	شنیدن راجع به	50	Olympic	المپیک
54	migration	مهاجرت	51	Olympics	بازیهای المپیک
55	migrate	مهاجرت کردن	52	operate	به راه انداختن
56	explanation	توضیح	53	orally	به طور شفاهی
57	guidance	راهنمایی	54	organize	سازماندهی کردن
58	guide	راهنمایی کردن	55	pair	جفت
59	precede	مقدم بودن	56	permit	اجازه دادن
60	believe	باور داشتن، معتقد بودن	57	place	قرار دادن، جادادن

61	careless	بی دقت	58	plain	دشت، جلگه
62	invitation	دعوت، دعوت نامه	59	play a part	نقش داشتن، سهمیم بودن
63	note	یادداشت	60	religious	مذهبی
64	separate	جدا شدن، تقسیم شدن، جدا کردن	61	religious	مذهبی
65	turn down	کم کردن صدا، پایین آوردن	62	section	قسمت، بخش
66	through	از میان	63	serious	جدی
67	engine	موتور	64	shelf	قفسه
68	existence	وجود، هستی	65	silently	به آرامی، بی سروصدا
69	particle	ذره، جزء	66	silver	نقره
70	underline	خط کشیدن زیر	67	site	مکان
71	wake up	بیدار کردن، بیدار کردن	68	skating	اسکیت
72	yet	هنوز، تا کنون	69	skiing	اسکی
			70	snow - covered	پوشیده از برف
درس 5			71	so far	تا کنون
1	after a while	بعد از مدتی	72	take part	شرکت کردن
2	amuse	سرگرم کردن	73	team	تیم، تیمی
3	amused	سرگرم	74	thousand	هزار
4	amusing	سرگرم کننده، خنده دار	75	together	باهم، به همراه هم
5	appear	ظاهر شدن، به نظر رسیدن	76	track and field	دو و میدانی
6	behind	پشت، پشت سر	77	vegetable	سبزی، سبزیجات
7	blouse	بلوز	78	weekly	هفتگی
8	bored	خسته، کسل	79	width	عرض، پهنا
9	boring	خسته کننده	80	win	برنده شدن
10	call out	فریاد زدن، صدا کردن	81	winner	برنده، پیروز
11	carpet	فرش	82	would like	مایل بودن

12	company	کمپانی، شرکت	83	wrestle	کشتی گرفتن
13	confused	گیج	84	wrestling	کشتی
14	confusing	گیج کننده			
15	cotton	پنبه، نخ	درس 6		
16	determiner	معرف	1	central	مرکزی
17	Egypt	مصر	2	influence	تأثیر گذاشتن، تغییر دادن
18	example	مثال	3	superhuman	فوق بشری
19	excited	هیجان زده	4	project	پروژه
20	exciting	هیجان انگیز	5	airline	(شرکت) خط هوایی، هواپیمایی
21	far apart	دور از هم	6	entertainment	سرگرمی
22	fast	روزه، روزه گرفتن	7	block	بلوک
23	fear	ترس	8	giant	غول پیکر، خیلی بزرگ
24	frightened	ترسیده، وحشت زده	9	research	تحقیق کردن
25	grrrrting	سلام و احوال پرسی	10	aspect	جنبه، بعد
26	habit	عادت	11	capacity	ظرفیت، توانایی
27	hard working	سخت کوش	12	inform	مطلع کردن، خبر دادن
28	Indian	هندی	13	design	طراحی کردن
29	instead (of)	به جای، در عوض	14	tower	برج
30	invent	اختراع کردن	15	programmable	قابل برنامه ریزی
31	invention	اختراع	16	separate	جدا
32	involve	شامل بودن، درگیر کردن	17	orbit	چرخیدن به دور
33	Japanese	ژاپنی	18	chemist	شیمیدان، داروساز
34	keep accounts	حساب دلدی کردن	19	pocket - sized	جیبی
35	lebanese	لبنانی	20	spacecraft	سفینه فضایی
36	linking verb	فعل ربطی	21	handle	کنترل کردن

37	long ago	خیلی وقت پیش	22	constantly	پیوسته، دائم
38	make up	ساختن	23	endeavour	تلاش
39	manage	اداره کردن	24	by means of	به وسیله ی
40	meal	غذا، وعده غذایی	25	drug	دارو
41	Moslem	مسلمان	26	furthermore	به علاوه
42	nationality	ملیت	27	series	سری، مجموعه
43	Papyrus	پاپیروس	28	designer	طراح
44	past participle	صفت مفعولی	29	turn	پیچیدن، چرخیدن
45	present participle	صفت فاعلی	30	turning	پیچ
46	report	گزارش	31	otherwise	در غیراین صورت، وگرنه
47	sheet	ورقه	32	switch	عوض کردن
48	shocked	شوکه	33	go straight on	مستقیماً رفتن به
49	shocking	تکان دهنده، هولناک	34	right _ hand side	سمت راست
50	shout	فریاد زدن	35	success	موفقیت
51	shout	فریاد زدن	36	task	وظیفه
52	smell	بو کردن، بوی چیزی داشتن	37	process	پردازش کردن
53	surprise	متعجب کردن	38	deny	انکار کردن
54	surprised	متعجب، حیرت زده	39	available	در دسترس
55	surprising	تعجب آور، حیرت آور	40	in addition to	علاوه بر
56	taste	چشیدن، مزه کردن	41	properly	درست، خوب
57	thin	نازک، لاغر	42	wind power	قدرت باد
58	tomato	گوجه	43	perform	انجام دادن، اجرا کردن
59	up and down	بالا و پایین	44	disabled	علیل، معلول
60	whenever	هرموقع، هر وقت	45	activity	فعالیت

61	while	مدت	46	action	اقدام، عمل
62	wire	سیم	47	exactly	دقیقاً
63	speed	سرعت	48	at the same time	به طور همزمان
64	seat	صندلی	49	belong	تعلق داشتن
65	tense	(گرامر) زمان	50	belief	باور، اعتقاد
66	tiger	ببر	51	come in	آمدن، رسیدن (به بازار)
			52	cue	علامت، نشانه
			53	diagram	نمودار
			54	doer	انجام دهنده
			55	direction	مسیر، جهت
			56	impolite	بی ادب
			57	happiness	خوشحالی
			58	foggy	مه آلود
			59	fog	مه
			60	left	سمت چپ
			61	program	برنامه ریزی کردن
			62	pilot	خلبان
			63	refer	اشاره کردن، مراجعه کردن
			64	subject	موضوع

زبان انگلیسی سال چهارم دبیرستان

درس 1			درس 2		
1	rely	بستگی داشتن	1	audience	شنوندگان، حضار
2	efficiently	بی نقص، به طور مؤثر	2	embarrassment	خجالت
3	increase	افزایش یافتن	3	confidence	اعتماد به نفس
4	protect	حفظ کردن، امن نگه داشتن	4	presentation	سخنانی راجع به موضوع خاص
5	injury	صدمه، آسیب	5	concentrate	تمرکز کردن
6	joint	مفصل	6	firmly	محکم، با صلاوت
7	injure	آسیب رساندن	7	distract	حواس کسی را پرت کردن، گیج کردن
8	flexible	انعطاف پذیر	8	emphasize	تأکید کردن، پافشاری کردن
9	bend	عمدتاً بخشی از (خم کردن بدن)	9	gesture	برای (حرکت سر و دست (رساندن مقصود)
10	stretch	کش دادن، دراز کردن، باز کردن	10	expression	حالت چهره، قیافه
11	nutrient	مواد مورد نیاز بدن برای زندگی و رشد	11	mood	حال و حوصله، خلق، حالت روحی
12	fuel	سوخت	12	voice projection	رسابودن صدا
13	store	ذخیره کردن	13	variety	تنوع
14	brush	مسواک زدن	14	humor	شوخی، مزاح
15	fat	چربی	15	nervousness	اضطراب
16	excellent	بسیار خوب، عالی	16	stance	حالت ایستادن، ژست، موضع، نظر
17	release	آزاد کردن، رها کردن	17	confident	مطمئن، کسی که اعتماد به

					نفس دارد
18	proud	مغرور	18	facial	مربوط به صورت
19	repetitive	تکراری، تکرارپذیر	19	posture	حالت بدن، ژست
20	vessel	رگ، شریان	20	natural	طبیعی
21	perfectly	بی نقص	21	eye contact	تماس چشمی
22	bother	آزار دادن	22	tap	آهسته ضربه زدن به، ضربه زدن به
23	chest	قفسه سینه	23	crossing arms	دست به سینه شدن
24	adapt	وفق دادن، سازگار کردن	24	lean (against)	تکیه دادن به
25	bony	استخوانی	25	speech	گفتار، سخن
26	cell	سلول	26	trustworthy	قابل اعتماد
27	express	بیان کردن	27	respect	احترام گذاشتن
28	toe	انگشت پا	28	occasion	فرصت، متناسب، وقت
29	join	پیوستن	29	lower	پایین آوردن
30	fresh	تازه	30	pause	مکث، وقفه
31	teeth	دندان ها	31	decrease	کاهش دادن
32	bone	استخوان	32	emotionless	بی احساس، بی تفاوت
33	regular	منظم، همیشگی	33	directly	مستقیماً
34	skull	جمجمه	34	comedian	هنرپیشه کمدی
35	review	مرور	35	rating	ارزیابی
36	statement	جمله	36	atmosphere	جو، فضا
37	organ	عضو، اندام	37	disturb	اذیت کردن، مزاحم شدن، آشفته کردن
38	mention	گفتن، یاد آور شدن	38	effective	مؤثر
39	stair	پله	39	anxious	نگران، دلواپس

40	lift	بلند کردن	40	rank	ردیف کردن
41	suggest	پیشنهاد کردن	41	bare	برهنه، خالی
42	in shape	متناسب	42	emotion	احساس، عاطفه
43	function	عملکرد	43	formation	شکل، تشکیل
44	definition	تعریف	44	introduce	معرفی کردن
45	skin	پوست	45	manner	شیوه، طریقه
46	lung	ریه، شش	46	sense	احساس
47	reasonable	معقول، منطقی	47	react	عکس العمل
48	heading	عنوان، سرفصل	48	base	قرار دادن... بر اساس
49	straight	مستقیم	49	attractive	جذاب
50	national	ملی	50	public	عمومی
51	support	پشتیبانی کردن	51	evaluate	ارزیابی
52	aerobic	ورزش اروبیک	52	raise	بالا بردن، بلند کردن
53	compare	مقایسه کردن	53	tone	، لحن (صدا) تُن
54	pump	پمپاژ کردن، تپیدن	54	provide	مهیا کردن، فراهم کردن
55	result	نتیجه	55	mirror	آینه
56	blood	خون	56	previous	قبلی
57	bike	دوچرخه	57	involvement	درگیری، دخالت
58	focus	تمرکز	58	excitement	موجودیت، موجود بودن
59	active	فعال	59	aware	آگاه
60	alive	زنده	60	normally	معمولاً، به طور طبیعی
61	blank	جای خالی	61	contact	تماس
62	deeply	عمیقاً، به شدت	62	get on	تفاهم داشتن
63	check	بازبینی کردن، بازبینی، علامت تیک	63	balance	تبادل

64	carry	حمل کردن	64	ignore	نادیده گرفتن، بی‌اعتنایی کردن به
65	conjunction	حرف ربط	65	have fun	تفریح کردن
66	burn up	سوزاندن به طور کامل	66	act	عمل کردن
67	flexibly	با انعطاف	67	have a quick look	نگاه سریعی انداختن
68	efficient	کارآمد، مؤثر	68	emphasis	تأکید
69	following	آینده، بعدی	69	lecture	سخنرانی
70	have a rest	استراحت کردن	70	based on	بر اساس
71	have a high opinion of somebody	کسی را قبول داشتن	71	board	تخته
72	harm	صدمه، آسیب	72	course	دوره
73	unhappy	ناراحت، غمگین	73	clothing	لباس، پوشاک
74	tiredness	خستگی	74	experience	تجربه
75	since	چون	75	form	تشکیل دادن، ساختن
76	put out	دراز کردن، جلو بردن	76	do (dishes)	(ظرف) شستن
77	of one's own	از آن خود	77	joke	جوک
78	on one's own	به تنهایی	78	get sb interested	شخصی را علاقمند کردن
79	keep in shape	متناسب ماندن	79	norm	اصل، قاعده
80	strong	قوی	80	relationship	ارتباط، رابطه
81	partner	شریک، دوست	81	warning	هشدار
			82	take sth seriously	چیزی را جدی گرفتن
درس 3			83	sense of humor	شوخ طبعی
1	concern	نگرانی، نگران کردن	84	state	حالت، وضع
2	climate	آب و هوا	85	suppose	تصور کردن
3	trap	به دام انداختن، گیر	86	speaker	سخنران، گوینده

		انداختن			
4	region	منطقه	87	silent	ساکت
5	mainly	عمدتاً، اساساً	88	situation	موقعیت
6	pattern	الگو	89	silence	سکوت
7	cause	باعث شدن، علت، سبب			
8	sea level	سطح دریا	درس 4		
9	extinction	انقراض	1	float	شناور شدن، معلق بودن
10	weigh (against)	ارزیابی کردن، سبک سنگین کردن	2	consist (of)	شامل بودن
11	environment	محیط	3	smoothly	آهسته، به آرامی
12	recycle	بازیافت کردن	4	shake	لرزیدن، لرزاندن
13	pollution	آلودگی	5	rattle	به صدا در آمدن، به صدا در آوردن، به هم خوردن
14	condition	شرط، وضع، وضعیت	6	damage	خسارت، خرابی
15	contrast	تضاد، اختلاف، مقایسه	7	populated	شلوغ، پر جمعیت
16	field	رشته، زمینه، زمین	8	destructive	مخرب
17	define	تعریف کردن، معنا کردن	9	probable	احتمالی، محتمل
18	methane	گاز متان	10	entirely	کاملاً
19	definition	تعریف	11	predict	پیش بینی کردن، پیشگویی کردن
20	mild	ملایم	12	locate	(عمدتاً مکان) پیدا کردن
21	issue	موضوع مهم	13	forecast	عمدتاً وضع (پیش بینی کردن هوا)
22	inaction	عدم فعالیت	14	flood	سیل
23	guarantee	ضمانت	15	emergency	حالت اضطراری

24	forest	جنگل	16	procedure	روال، روند، شیوه
25	greenhouse	گلخانه	17	calm	آرام
26	particular	خاص، ویژه	18	reality	واقعیت
27	greenhouse effect	اثر گلخانه ای	19	overpass	روگذر، پل هوایی
28	pretty	نسبتاً، کاملاً	20	storm	طوفان
29	planet	سیاره	21	shock	ضربه، ضربه روحی، تکان
30	create	ساختن، تولید کردن، ایجاد کردن	22	semicolon	نقطه ویرگول
31	scientist	دانشمند	23	earthquake	زلزله
32	risk	ریسک کردن، خطر کردن	24	crust	پوسته
33	rainfall	بارش باران	25	experience	تجربه
34	snowfall	بارش برف	26	department	بخش، قسمت، شعبه
35	surrounding	مجاور، اطراف	27	core	هسته
36	reduce	کاهش دادن	28	underpass	زیرگذر
37	solar	شمسی	29	survive	زنده ماندن
38	trash	زباله، آشغال	30	mechanism	مکانیزم
39	whereas	در صورتی که، در حالی که	31	mantle	گوشه
40	though	اگرچه	32	layer	لایه
41	temperature	دما	33	liquid	مایع
42	wildlife	حیات وحش	34	aid	کمک
43	clause	جمله مستقل، بند	35	colon	دونقطه
44	while	در صورتی که	36	dash	خط تیره
45	radiate	تاباندن، ساطع کردن	37	comparison	مقایسه
46	set	مجموعه	38	electricity	الکتریسیته، برق
47	punish	مجازات کردن	39	exact	دقیق

48	reflect	منعکس کردن	40	instrument	وسيله
49	pollute	آلوده کردن	41	impression	برداشت، احساس، تصور
50	gasoline	بنزين	42	hit	زدن، ضربه زدن به
51	global	جهانی	43	fortunate	فرصت، بخت
52	exhaust	دود، گاز، اگزوز	44	first aid	کمکهای اولیه
53	damage	خسارت، خسارت زدن	45	fortunately	خوشبختانه
54	judge	قضاوت کردن	46	inner	داخلی، درونی
55	area	منطقه	47	outer	بیرونی
56	by oneself	به تنهایی	48	make up	تشکیل دادن
57	fell	(درختان) قطع کردن	49	surface	سطح
58	general	عمومی	50	punctuation marks	علامه نشانه گذاری
59	acid	اسید	51	plate	سطح، صفحه، بشقاب
60	all over	سراسر	52	modification	توصیف، اصلاح، تغییر
61	article	مقاله	53	tongue	زبان
62	concerned	نگران	54	mother tongue	زبان مادری
63	column	ستون	55	structure	ساختار، ساختمان
64	care	اهمیت دادن	56	doorway	درگاه، آستانه
65	fossil	فسیل	57	aftershock	پس لرزه
66	felling	قطع درختان	58	at least	حد اقل
67	electric shock	برق گرفتگی	59	novel	رمان
68	enhance	افزایش دادن	60	get together	دورهم جمع شدن
69	enviromental	زیست محیطی	61	ceiling	سقف
70	plant	گیاه، کاشتن	62	imagine	تصور کردن
71	phrase	عبارت	63	away	دور
72	oil	روغن، نفت	64	bookshelf	قفسه کتاب

73	over	درخلال، طی	65	correct	تصحیح کردن
74	noise pollution	آلودگی صوتی	66	cabinet	قفسه، کابینت
75	laboratory	آزمایشگاه	67	especially	مخصوصاً
76	lock up	حبس کردن، تمام درها را قفل کردن	68	error	اشتباه
77	light	روشن کردن، نور	69	entire	کل، تمام
78	level	سطح	70	dry	خشک
79	invite	دعوت کردن	71	destruction	انهدام، نابودی
80	gas	گاز، بنزین	72	fast	سریع
81	save	ذخیره کردن، صرفه جویی کردن، نجات دادن	73	electrical	برقی
82	sea	دریا	74	difficulty	دشواری، مشکل
83	warming	افزایش دما	75	expensive	گران
84	regularly	به طور منظم	76	fill	پر کردن
85	rise	افزایش	77	fire department	ایستگاه آتش نشانی
86	station	ایستگاه	78	fireman	آتش نشان
87	recyclable	قابل بازیابی	79	frightening	ترسناک
88	to a large degree	تا حد زیادی	80	imagination	تخیل، تصور
89	transportation	حمل و نقل	81	guest	مهمان
90	title	عنوان، لقب	82	from side to side	از این طرف به آن طرف
91	known	شناخته شده، مشهور، آشکار	83	free (of)	بدون، خالی از
92	excess	اضافی	84	prediction	پیش بینی، پیش گویی
93	table	جدول	85	possibility	امکان
94	farming	کشاورزی	86	move along	حرکت کردن

			87	take a vacation	به تعطیلات رفتن
درس 5			88	the pacific ocean	اقیانوس آرام
1	vacation	تعطیلات	89	simple	ساده
2	apprentice	کارآموز	90	soon	زود، به زودی
3	extreme	خیلی مهم، غیر معمول	91	river	رودخانه
4	right	حق	92	especial	خاص، ویژه
5	industrialize	صنعتی کردن، پیشرفته کردن			
6	rural	روستایی	درس 6		
7	agriculture	کشاورزی	1	exploration	اکتشاف، بررسی، کاوش
8	trade	تجارت	2	feature	ویژگی
9	industrialized	پیشرفته، صنعتی	3	launch	پرتاب، پرتاب کردن
10	manufacturing	تولید صنعتی	4	artificial	مصنوعی، دست ساز
11	construction	بنا، ساختمان	5	density	تراکم، چگالی
12	domestic	خانگی	6	mission	مأموریت
13	poverty	فقر	7	astronaut	فضانورد
14	prevent	جلوگیری کردن	8	sample	نمونه
15	irrelevant	نامربوط	9	vehicle	وسیله نقلیه
16	fail	باختن	10	beyond	پشت، فراسو، آن سو
17	willing	مایل، علاقه مند	11	mass	جرم
18	developed	پیشرفته، توسعه یافته	12	base	پایگاه
19	remove	ازبین بردن، برکنار کردن	13	run	اداره کردن، راه انداختن
20	social	اجتماعی	14	voyager	دریاگرد، مسافر دریا
21	brick	آجر	15	unit	واحد
22	social movement	حرکت اجتماعی	16	probe	سفینه بدون سرنشین

					(کاوشگر)
23	ceramics	ظروف سرامیکی	17	land	فرود آمدن، پیاده کردن
24	urban	شهری	18	former	سابق، گذشته
25	self employment	شغل آزاد	19	explore	بررسی کردن، کاوش کردن، گشتن
26	developing	در حال توسعه	20	crater	گودال، دهانه آتشفشان
27	rob	، دزدیدن (از) محروم کردن	21	apollo	فضاپیمای آپولو
28	organization	سازمان	22	venus	سیاره زهره
29	specific	خاص، ویژه	23	uranus	سیاره اورانوس
30	sort	نوع	24	telescope	تلسکوپ
31	electrician	برق کار، تعمیرکار برق	25	soviet	شوروی
32	discipline	تربیت کردن، منظم کردن	26	quality	کیفیت
33	estimate	تخمین زدن	27	observe	مشاهده کردن
34	hire	استخدام کردن، کرایه کردن	28	jupiter	سیاره مشتری
35	employer	کارفرما	29	era	عصر، دوره
36	develop	رشد کردن، توسعه دادن	30	dream	رویای، رویا دیدن، تصور کردن
37	union	اتحادیه	31	mineral	ماده معدنی
38	strategy	استراتژی، تدبیر	32	mine	استخراج کردن، حفر کردن
39	developmental	پرورشی، مربوط به رشد	33	distant	دور
40	economic	اقتصادی	34	neptune	سیاره نپتون
41	economically	از نظر اقتصادی، مقتصدانه	35	material	ماده، جنس، چیز، مصالح
42	human	انسان، بشر	36	mars	سیاره مریخ
43	industry	صنعت	37	pioneer	پیشگام، پیشتاز
44	labor	کار	38	saturn	سیاره زحل
45	income	درآمد	39	valley	دره

46	manufacture	تولید کردن	40	phase	مرحله
47	laborer	کارگر	41	magnify	بزرگ کردن
48	within	در، در داخل	42	cave	غار
49	mostly	عمدتاً، غالباً	43	brief	مختصر، کوتاه
50	mining	استخراج معادن، معدن کاری	44	universe	عالم، کیهان
51	unemployment	بیکاری	45	soccer	فوتبال
52	percent	درصد	46	thick	ضخیم، غلیظ
53	rather	نسبتاً	47	robotic	خود کار، ماشینی
54	adult	بزرگسال	48	indicate	نشان دادن
55	appropriate	مناسب	49	ancient	باستانی، قدیمی
56	establish	برقرار کردن، پایه ریزی کردن	50	lie down	دراز کشیدن
57	talkative	پرحرف	51	phases of the moon	اهله ی ماه
58	countryside	نواحی روستایی	52	mystery	راز
59	cold	سرماخوردگی	53	germ	میکروب
60	childhood	دوران کودکی	54	further	بیشتر
61	fund	بودجه، سرمایه	55	force	نیرو، فشار
62	goods	اجناس	56	consider	در نظر گرفتن، قلمداد کردن
63	machine	دستگاه	57	Antarctica	قطب جنوب
64	parent	پدر یا مادر	58	device	وسیله، ابزار
65	self - employed	دارای شغل آزاد	59	traveler	مسافر
66	summer	تابستان	60	stamp	تمبر
67	related	مربوط	61	upper	بالایی
68	hope	امید، امیدواری	62	roommate	هم اتاقی

69	on the other hand	از طرف دیگر	63	century	قرن
70	full time	تمام وقت	64	direct	راهنمایی کردن، اداره کردن
71			65	microscope	میکروسکوپ
72			66	mountain	کوه
73	data	داده، اطلاعات	67	pole	قطب
74	network	شبکه	68	rocket	موشک
75	access	دستیابی، دسترسی، دست یافتن به	69	reach	رسیدن به
76	server	خدمات رسان	70	volume	حجم
77	multimedia	چند رسانه ای	71	test	آزمایش کردن
78	compose	نوشتن، تشکیل دادن	72	studies	تحصیلات، مطالعات
79	attach	ضمیمه کردن	73	set	تنظیم کردن
80	document	سند	74	so as to	به منظور، تا، برای اینکه
81	forward	فرستادن	75	rather than	به جای
82	continuously	پیوسته، به طور مداوم	76	painting	نقاشی، تابلو
83	transfer	انتقال	77	italian	ایتالیایی
84	log on	وارد سیستم شدن	78	in order to	به منظور، تا
85	addactive	اعتیادآور	79	alarm clock	ساعت زنگ دار
86	online	روی خط	80	landing	فرود
87	net	اینترنت			
88	graphics	گرافیک	درس 8		
89	handheld	دستی	1	missionary	مبلغ مذهبی
90	world wide web	شبکه جهانی وب	2	community	جامعه
91	update	به روز کردن	3	nun	راهبه
92	summary	خلاصه	4	suffering	رنج، درد

93	summarize	خلاصه کردن	5	convent	صومعه، دیر
94	postal	پستی	6	devote	وقف کردن، اختصاص دادن
95	advertising	تبلیغ	7	slum	محله ی فقیر نشین
96	advertise	تبلیغ کردن	8	voluntary	داوطلبانه، اختیاری
97	catalog	کاتالوگ، فهرست	9	financial	مالی، پولی
98	file	پرونده	10	charity	خیرات، صدقه، مؤسسه خیریه
99	electromagnetic	الکترومغناطیسی	11	promotion	ترفیع، ارتقا
100	device	وسیله	12	live on	باقی ماندن، به زندگی ادامه دادن
101	destination	مقصد	13	sign	نشانه، علامت
102	fax	دورنگار، فاکس	14	complex	پیچیده
103	e - mail	پست الکترونیکی	15	private	شخصی
104	web	شبکه جهانی، تار عنکبوت	16	tin	قلع، قوطی حلبی
105	addition	جمع، اضافه، عضو جدید	17	Yugoslavia	یوگوسلاوی سابق
106	unreadable	ناخوانا	18	Albanian	آلبانیایی
107	readable	خوانا	19	advisability	مصلحت
108	newsgroup	گروه خبری	20	cylinder	استوانه، سیلندر
109	mail	پست، محموله پستی	21	homeless	بی خانمان، آواره
110	mailing list	اسامی طرفهای مکاتبه	22	Irish	ایرلندی
111	interchangeably	به جای یکدیگر	23	electric	برقی، الکتریکی
112	link	ارتباط، پیوند، حلقه	24	observer	ناظر
113	scientific	علمی	25	prize	جایزه
114	telecommunications	مخابرات، ارتباطات راه دور	26	annoy	آزار دادن
115	electronic	الکترونیکی	27	besides	به علاوه
116	database	پایگاه داده ها	28	bulb	حباب، لامپ

117	communications	ارتباطات	29	disc	دیسک، صفحه
118	communicate	ارتباط برقرار کردن	30	foil	کاغذ آلومینیوم، زوروق
119	connect	وصل کردن	31	official	مقام رسمی
120	satellite	ماهواره	32	training	آموزش، تعلیم
121	term	اصطلاح	33	suffer	رنج بردن
122	compute	کار کردن با کامپیوتر، محاسبه کردن	34	superior	مافوق، ارشد
123	combine	ترکیب کردن	35	various	متنوع، مختلف
124	chat	گپ، صحبت	36	usefulness	سودمندی، فایده
125	snail	حلزون	37	phonograph	گرامافون
126	technology	فناوری، تکنولوژی	38	phonography	ضبط گرامافونی
127	by means of	به وسیله ی	39	elementary	ابتدایی، مقدماتی
128	combined	مربک، مشترک	40	brotherhood	برادری
129	basic	اساسی	41	clinic	درمانگاه
130	video conferencing	کنفرانس ویدئویی	42	outline	نکات عمده، خلاصه
131	user	کاربر	43	Nobel prize	جایزه نوبل
132	programmable	قابل برنامه ریزی	44	permission	اجازه
133	resource	منبع	45	conclusion	نتیجه، نتیجه گیری
134	inexpensively	به قیمت ارزان	46	performance	عملکرد
135	software	نرم افزار	47	run away	فرار کردن
136	missing	گمشده	48	helpless	درمانده، عاجز
137	army	ارتش	49	intelligent	باهوش
138	dummy	آدم احمق	50	duty	وظیفه
139	distance education	آموزش از راه دور	51	wonder	تعجب کردن، از خود پرسیدن
140	printer	چاپگر	52	saint	قدیس، قدیسه

141	out of date	تاریخ گذشته، قدیمی	53	helper	یاری دهنده
142	per	برای هر، در هر	54	digest	خلاصه
143	no matter	مهم نیست، فرقی نمی کند	55	deduction	استنتاج، نتیجه گیری
144	snail mail	پست حلزونی	56	collect	جمع آوری کردن
145	speed up	سرعت بخشیدن به، سرعت گرفتن	57	make an impression	تأثیر گذاشتن بر
146	mailbox	صندوق پست	58	classmate	همکلاسی
147	lifetime	عمر، زندگی	59	absent	غایب
148	hungry	گرسنه	60	back	پشت، کمر
149	hurry	عجله کردن	61	college	کالج، دانشگاه
150	effectively	به طور مؤثری	62	Christian	مسیحی
151	edition	ویرایش، چاپ	63	dialog	مکالمه
152	engineer	مهندس	64	poor	ضعیف، بد، فقیر
153	single	تک، تنها	65	play	پخش کردن (نوار) گذاشتن (نوار)
			66	play back	پخش کردن، دوباره گذاشتن (نوار)
75	strange	عجیب	67	open - air	رو باز
76	hero	قهرمان	68	lab	آزمایشگاه
77	hearing	شنوایی	69	letter	، نامه (در الفبا) حرف
78	modal	(کمکی) فعل ناقص	70	light bulb	لامپ
79	marry	ازدواج کردن	71	holy	مقدس
80	most likely	به احتمال قوی	72	unpleasant	ناخوشایند
81	pain	درد	73	telegraphic	تلگرافی
			74	start	تأسیس کردن